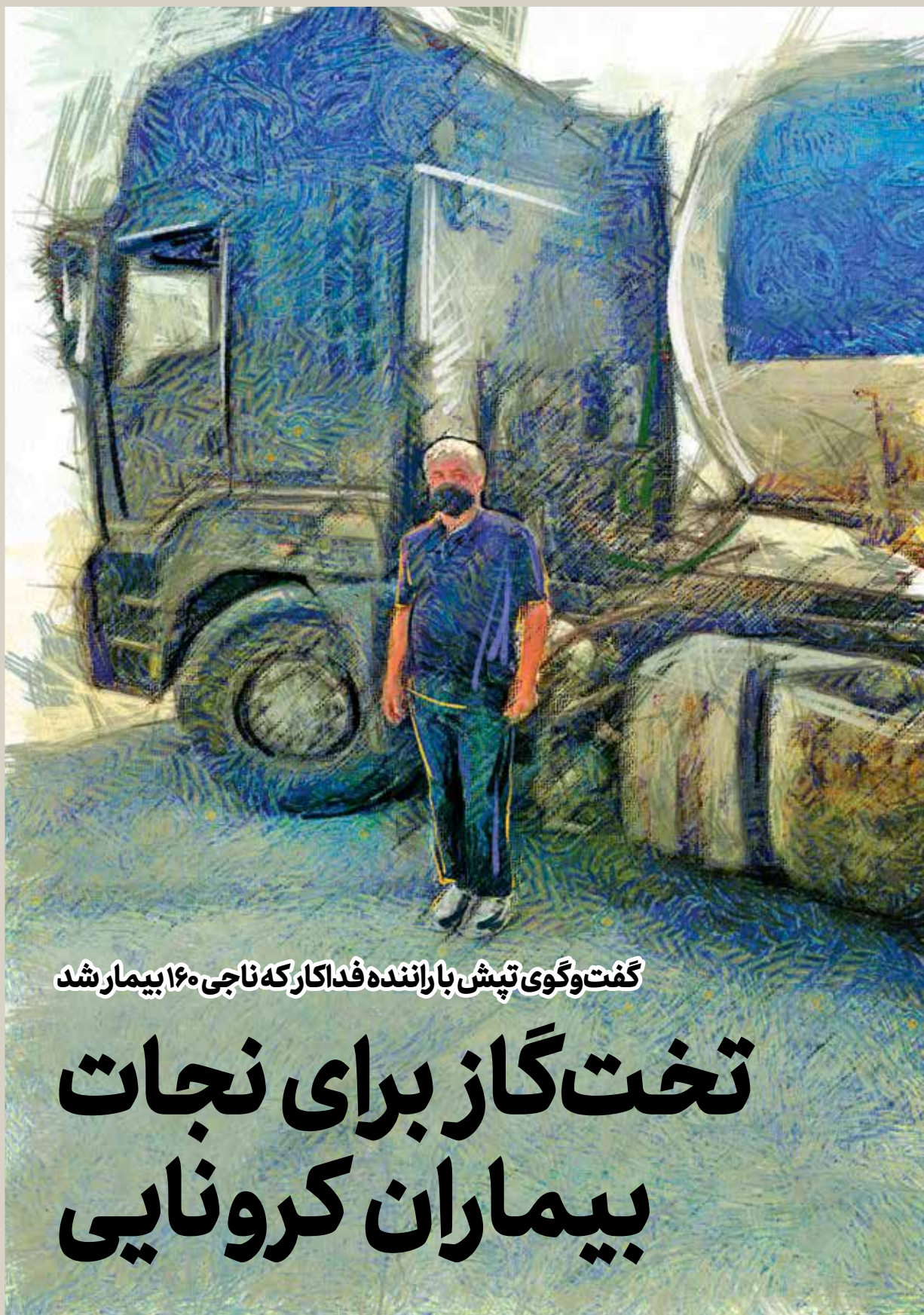


در جاجرواد احساس کردم یکی از لاستیک‌ها کم باد شده است. آمدم لاستیک را پر باد کنم که دیدم لاستیک از بغل در اصطلاح ما شوفرها، لپ دار شده است. پلیس راه را که رد کردم، یکدفعه لاستیکم ترکید. کنار زدم و بعد از بررسی وضعیت، متوجه شدم دیگر کاری از دستم برنمی آید



گفت و گوی تپش با راننده فداکار که ناجی ۱۶۰ بیمار شد

تخت گاز برای نجات بیماران کرونایی

ماجرا از یک فیلم ۴۲ ثانیه‌ای شروع شد؛ فیلمی که در آن یک راننده تریلی ۶۲ ساله که بار اکسیژن همراه داشت، با یک لاستیک ترکیده و درحالی که خطرات مختلفی سلامت او را تهدید می‌کرد، خود را به بیمارستان رازی قائمشهر رساند تا ۱۶۰ بیمار کرونایی که تنها دو ساعت با مرگ فاصله داشتند، از بی‌اکسیژنی نمیرند. فیلم شاهرخ بیگدلی به سرعت در فضای مجازی داغ شد و مردم فداکاری و از خودگذشتگی او را تحسین کردند. بیگدلی راننده برون‌شهری است و او زمانی پیدا کردیم که باز هم داشت برای یکی از بیمارستان‌ها اکسیژن می‌برد. بیگدلی در کرج زندگی می‌کند، ۲۸ سال سابقه رانندگی در جاده‌ها را دارد و صاحب دو فرزند، یک دختر و یک پسر است. در تپش این هفته با این راننده فداکار گفت و گویی داشتیم و ماجرای راننده‌های فداکار دیگر را مرور کردیم.

لیلا حسین زاده
تپش

آقای بیگدلی از ماجرای حمل اکسیژن به بیمارستان رازی قائمشهر بگوئید که در فضای مجازی حسابی پربازدید شد. در کدام جاده لاستیک‌تان ترکید؟

در جاده فیروزکوه. پنجشنبه دو هفته پیش از بندر دیر بوشهر اکسیژن بار زدم و جمعه حوالی ساعت ۱۰ و ۱۱ به جاجرواد رسیدم. در جاجرواد احساس کردم یکی از لاستیک‌ها کم باد شده است. آمدم لاستیک را پر باد کنم که دیدم لاستیک از بغل در اصطلاح ما شوفرها، لپ دار شده است. پلیس راه را که رد کردم، یکدفعه لاستیکم ترکید. کنار زدم و بعد از بررسی

وضعیت، متوجه شدم دیگر کاری از دستم برنمی‌آید. جمعه بود و هیچ جاهم نمی‌شد لاستیک پیدا کرد. آرام به مسیر ادامه دادم و بعد از مدتی هم لاستیک خودش را رها کرد. من درگیر وضعیت لاستیک بودم و از آن طرف هم با ۱۰ خط تلفن از بیمارستان رازی با تلفن همراهم تماس می‌گرفتم.

به شما چه می‌گفتند؟

می‌پرسیدند الان کجایی؟ کی می‌رسی؟ وضعیت خیلی خراب است. ۱۶۰ بیمار کرونایی به اکسیژن نیاز دارند و اگر به موقع نرسی، دیربازود باید ماسک اکسیژن‌شان

را برداریم. خانم دکتری هم که از پزشکان بیمارستان رازی قائمشهر است، بغض کرده پشت خط من آمد. از او پرسیدم چه شده است؟ گفت اگر نمی‌توانید به موقع برسید به من بگوئید. بیماران کرونایی ما حال‌شان خیلی بد است و فقط می‌توانم دو ساعت آنها را زنده نگه دارم. به من بگوئید می‌توانید به موقع برسید؟ من که به شدت استرس گرفته بودم، به آنها گفتم دیگر به من زنگ نزنید و زمانش که برسد، خودم با شما تماس می‌گیرم. با این حرف‌ها دیگر به این نتیجه رسیدم که باید کاری کنم و نمی‌توانم تا شنبه

منتظر لاستیک بمانم. اگر بیماران‌شان اتفاقی می‌افتد من هم به نوعی در مقابل م آنها مسؤول بودم. باد لاستیک خالی کردم و راه افتادم.

در فیلمی که از شما در فضا مجازی پخش شد، از لاست تریلی چیزی باقی نمانده بود آن شرایط چطور حرکت کردید راننده تریلی‌ها با این وضعیت آشنا هستند. موتورسیک عقب پنجر می‌کنند، روی باک سبک کنند. من هم همین کار لاستیک ترکیده را بی‌اثر کردم هنگام حرکت استفاده کنم.

حرکت با آن وضعیت می‌خواست. تترسیدید یا بخورد یا به دلیل حادثه پش شود؟ نگران نبودید پلیس تر نه آن لحظه نگران هیچ چیز نمی‌کردم که اکسیژن را هرچه برسانم. هر چند قلمم آرام بود می‌توانم اکسیژن را به بیماران رانندگان جاده‌ای به ش لاستیک تریلی ترکیده است؟ چرا اتفاقا خیلی. با دست تکان می‌گفتند آقا! لاستیک‌ات ترک دست تکان دادن می‌گفتم که بعد از آن صحبت آخرت شما تماس نگرفتند؟

چرا. کم و بیش زنگ می‌زدند اما به علت حرفی که به آن خان دیگر تماس نگیرید، خیلی ن سرتان را درد نیاورم، به هر س لاستیک به حوالی بیمارستان که هفت، هشت نفر از عوامل و حراست دم بیمارستان ایست به شدت خوشحال شدند و خوشحالی آنها خوشحال شد بعد از آماده کردن شلنگ و فشار، در مدت حدود ۲۰ دقیقه وارد مخازن اکسیژن بیمارستان این‌که فیلمم پخش شد، یک سر ما راننده‌ها زدند.

چه حرف‌هایی؟ مثلا گفتند که اینجا بی‌خیال اصلا به فکر نیستند.

من بسیاری از پست‌ها فضای مجازی دیده‌ام اما ند بگوئید کند. اتفاقا خیلی‌ها آن شرایط حاضر شدید به تری

اکسیژن را به موقع به بیمارستان من ۱۸۰۰ کیلومتر راندم تا برس اصلا هم منتی نیست و هموط هم را داشته باشم.

بعد از این قضیه انگار مردم باخبر شده بودند، تصمیم ۱۲ میلیون تومانی شما را ببرد

والا بعد از این‌که به خانه دوش بگیرم و دوباره بروم که قائمشهر می‌خواهند هزینه